



۲۳۸



www.nasimjonoub.com

- بوشهر در دائرهالمعارف بریتانیکا
- عبدالحسین شریفیان : جنون رقص : درباره مراسم زار در جنوب



<http://www.nasimjonoub.com>

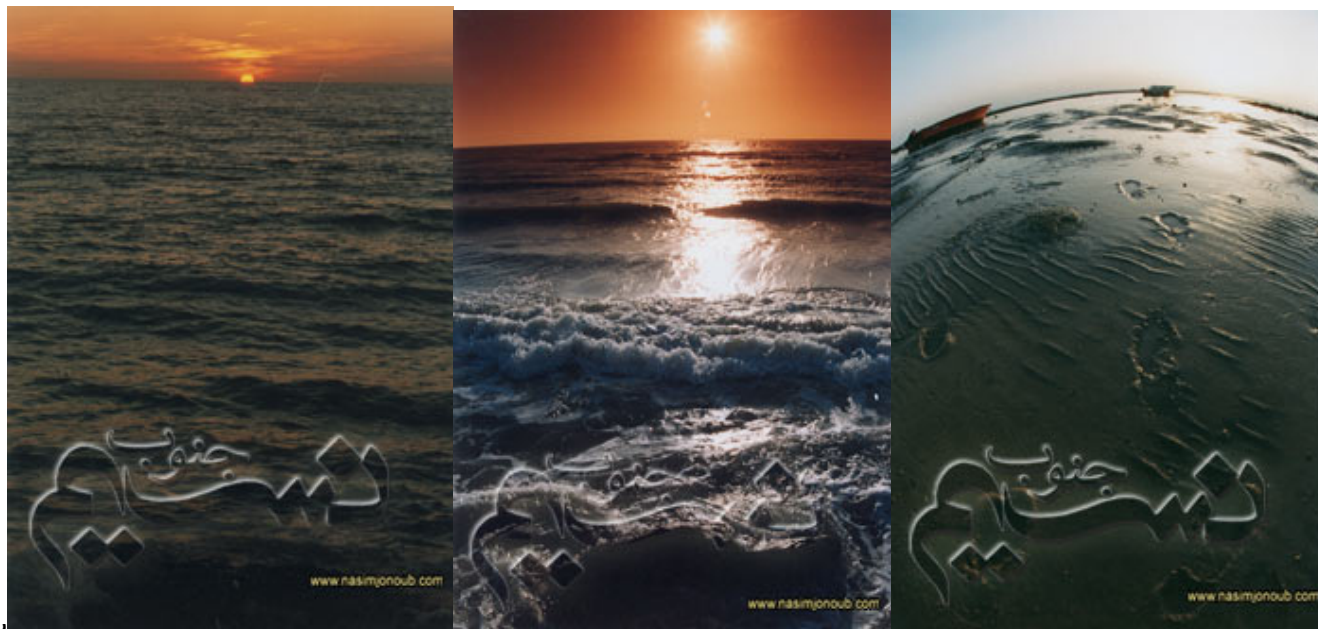
هفته نامه نسیم جنوب - بوشهر

بوشهر در دائره المعارف بریتانیکا

[سید عبدالعزیز بلادی]



این مطلب ترجمه‌ی مقاله‌ای است از هانس بابک (Hans Bobek) رییس بخش جغرافیای دانشگاه وین که در سال ۱۹۷۲ در جلد چهارم دائره‌المعارف بریتانیکا در آمریکا به چاپ رسیده و در تاریخ ۱/۵/۸۳ توسط سید عبدالعزیز بلادی به فارسی برگردانده شده است.



بوشهر (بوشهر Bushahr / سابقا بوشهر Abu.Sahr)، بندري از ايران در نزديكي رأس خليج فارس، که در انتهاي شمالي یک شبه جزيره هموار قرار گرفته است و از طريق یک دهانه ي چهار تا شش مایلي از جنس شوره زارهاي کشندي (۱) به داخله ي کشور متصل مي گردد. اين بندر مقر حکمراني سابق خليج فارس بود که هم اکنون (۲) جزو خليج فارس و بندر، شامل استان بحر عمان (۳) نیز مي باشد. جمعيت اين شهر (سال ۱۹۶۶) (۴) بالغ بر ۵۴۷/۲۳ نفر است (بيشتر عرب تا ايراني) (۵) اين شهر در جبهه ي مشرف به دريا، عمارت هاي باشکوه دو و سه طبقه را به نمايش مي گذارد که به سبک خاص خليجي بنا گردیده اند، اما مابقي ساختمان ها و از جمله بازارهاي وسيع آن به نحو فقيرانه اي ساخته شده اند.

منابع آب معمولي تا حدودي شورمه است؛ (با اين حال) مقادير محدودی آب آشاميدنی از طريق یک کارخانه چگالنده (آب شیرين کن) که توسط انگلیسي ها در خارج شهر ساخته شده قابل تأمین است. آب و هوا، همان آب و هوای خليجي است؛ توان فرسا، با ترکیبی از گرما و شرجي در تابستان، که البته گهگاهی با وزش بادهای شمال غربي قدری قابل تحمل مي شود.

تعداد زیادی خانه های روستايي در اطراف مزارع سرسبز در جنوب شهر پخش شده اند. در بوشهر دارای یک لنگرگاه بيروني و یک لنگرگاه داخلي مي باشد، که اولي دارای آبي عمیق تر است ولي در معرض باد قرار گرفته؛ تجهيزات بندري نیز بسيار پيش پا افتاده است. اين بندرگاه در حقيقت ترمينال جاده تجاری باستاني به شيراز، اصفهان و تهران است، که برای تردد وسایط نقلیه ي موتوري بازسازی گردیده، اما چند سربالايي تند مثل کتل مشهور دختر (ارتفاع از سطح دریا ۷۳۹۰ فوت/ ۲۲۵۰ متر) آن را دچار نقص کرده است. تا تهران چهار روز راه است. در میانه ي دهه ي ۱۹۶۰ (۶)، میزان مبادلات سالانه ي تجاری بوشهر بالغ بر ۷۵/۰۰۰ تن بود. به علاوه مقاديري محصولات نفتي نیز مبادله مي شد. واردات شامل شکر، سیمان و فولاد است که تا اندازه ي زیادی بیشتر از صادرات است که شامل خشکبار، صمغ و پنبه خام مي باشد.



احداث راه آهن سراسری ایران، که بنادر شاهپور (بندر امام خمینی م.) و خرمشهر جزو پایانه‌های اصلی آن هستند، بر تجارت بوشهر، تأثیرات نامطلوبی داشته است. از دهه‌ی ۱۹۳۰ (۷) بسیاری از مردم، این شهر را ترک کرده‌اند؛ عده‌ی دیگری نیز به طور فصلی به بحرین، آبادان و کویت مهاجرت می‌کنند. دو کارخانه‌ی نساجی کوچک نیز در بوشهر قرار دارند. (۸)



تاریخ شهر بوشهر (منظور خود شهر بوشهر مستقر در چهار محله‌ی بافت قدیم است.)، به طور نسبی به دوران معاصر برمی‌گردد. پیشاهنگ آن، ریشهر در فاصله‌ی ۵ مایلی جنوب این شهر و در کنار یک خور کوچک نسبتاً عمیق بوده است. نقشه‌های پرتغالی‌ها مربوط به قرون شانزدهم و هفدهم، بندر ریشهر را به عنوان مهم‌ترین بازار تجاری در سواحل ایران نشان می‌دهد. ویرانه‌های ریشهر به عنوان معدن سنگ شهر بوشهر مورد استفاده قرار می‌گرفت. ریشهر در خلال جنگ جهانی اول، برای مدت کوتاهی توسط انگلیسی‌ها احیا شد. (۹)



بوشهر در سال ۱۷۳۶ (۱۰)، توسط نادر شاه به عنوان پایگاه نیروی دریایی ایران برگزیده و تأسیس گردید. (۱۱)

با این که طرح‌های او به جایی نرسید، علاقه‌ی او به این شهر منجر به متمرکز شدن تجارت خلیج فارس در این بندر گردید - عمدتاً به‌بهای (اعتبار) بندرعباس کمپانی هند شرقی بریتانیا، بالاخره فعالیت‌های



تجاری خود در ایران را در سال ۱۷۵۹ (۱۲) از بندرعباس به بوشهر انتقال داد و بوشهر به نحو فزاینده‌ای حایز اهمیت گردید. بوشهر به طور موقت در جریان جنگ با ایران، توسط نیروهای انگلیسی، در سال‌های ۵۷-۱۸۵۶ (۱۳) و نیز بار دیگر در خلال جنگ جهانی اول مورد اشغال قرار گرفت (۱۴). نقش این شهردر جریان جنگ جهانی دوم بی‌اهمیت بود. جنرال قنصلگری بریتانیا در بوشهر در نتیجه‌ی منازعه‌ی نفت در سال ۱۹۵۱ توقیف گردید.



توضیحات:

- ۱- منظور همان مسیله یا مشیله است (/:mesile:mesile)
- ۲- دهه‌ی ۱۹۶۰م./ دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش.
- ۳- oman sea ostan
- ۴- برابر با ۱۳۴۵ ه.ش.
- ۵- ظاهراً این دیدگاه ناشی از قضاوت ظاهری نگارنده‌ی مقاله در مورد پوششش، لهجه و تا حدودی فیزیک بدن بومیان بوده که قطعات تحت تأثیر آب و هوا، محیط زیست و حتی تعامل طبیعی فرهنگی - اجتماعی با همسایگان جنوبی خلیج فارس قرار داشته‌اند.
- ۶- دهه‌ی ۱۹۶۰م./ دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش.
- ۷- برابر با دهه‌ی ۱۳۱۰ ه.ش.، یعنی در حدود هفتاد سال پیش و به عبارتی پس از پایان جنگ جهانی اول که در خلال آن، بندر بوشهر نقش بسیار مهمی ایفا می‌نمود.
- ۸- این دو کارخانه نساجی کوچک، یکی کارخانه اعتمادیه و دیگری کارخانه‌ی خلیج بوده که اولی تازمان حاضر نیز به حیات صنعتی خود ادامه می‌دهد.
- ۹- پادگان نظامی انگلیسی‌ها در جنوب شبه جزیره‌ی بوشهر و در حوالی ریشهر و منطقه‌ی بهمنی قرار داشته است.
- ۱۰- برابر با سال ۱۱۱۵ ه.ش.



www.nasimjonoub.com



www.nasimjonoub.com

۱۱- به همین مناسبت تا مدت‌ها بندر بوشهر با عنوان بندر نادری نامیده می‌شد.

۱۲- برابر با سال ۱۱۲۸ ه.ش.

۱۳- برابر با سال ۱۲۳۵-۳۶ ه.ش/۱۲۷۳ ه.ق.

۱۴- بندر بوشهر برای نخستین بار در سال ۱۲۵۴ ه.ق. برابر با ۱۲۱۷ ه.ش/۱۸۳۸ م. توسط انگلیسی‌ها مورد حمله قرار گرفت که با مداخله و خیزش آیت‌الله شیخ حسن آل‌عصفور، نیروهای انگلیسی مجبور به عقب نشینی و حتی انتقال رزیدنسی سیاسی خود برای مدتی به جزیره‌ی خارگ شدند، که ظاهرانگارانده‌ی مقاله این موضوع را فراموش کرده است.

ر.ک.: یاحسینی، سید قاسم، پیشگامان مبارزه با بریتانیا در جنوب ایران. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، سال ۱۳۷۳. چاپ اول صص ۱۷ و ۲۷



www.nasimjonoub.com



www.nasimjonoub.com



جنون رقص ؛ درباره مراسم زار در جنوب



[عبدالحسین شریفیان]

بی‌تردید، هم‌شهریان بوشهری اسم زار را بارها شنیده‌اند، و اگر خود ندیده‌اند از پیشینیان‌شان شنیده‌اند که اصحاب زار - بیشتر در بندرعباس، بندر لنگه و بنادر دیگر هرمزگان و همچنین خارگ و... - هفته‌ای یک شب گرد هم می‌آمده‌اند و تحت تأثیر موسیقی ریتمیک یا ضربی یک‌نواخت مراسم جذبه‌گونه‌ای به جای می‌آورده‌اند.

این گردهمایی تقریباً آیینی را نخست فقط بردگان سیاه‌پوست به جای می‌آوردند، ولی با گذر زمان سفیدپوستان نیز به آنان پیوستند و در انجام این مراسم شرکت جستند. حال باید دید که چرا این مراسم اصولاً در بندرعباس، بندرلنگه و چند بندر کوچک در آن حوالی بنیان گرفت؟

بندرعباس و بندر لنگه در دوران حکومت صفویان، شکوفایی اقتصادی ویژه‌ای یافتند و رفاه اجتماعی خاصی در آن دیار رخ گشود. همراه با داد و ستد بازرگانی، داد و ستد انسانی هم رواج یافت که به تبع آن شمار زیادی برده‌ی سیاه‌پوست به وسیله‌ی برده‌فروشان عرب وارد این منطقه شدند و به عنوان کارگر و عمله به جامعه‌ی ایرانی پیوستند. این بردگان سیاه‌پوست در هرشهری که بودند، می‌کوشیدند با هم‌نژادان خود ارتباط و آیند و روند و باب هم‌نشینی باز کنند و درست بر خلاف شیوه‌ی غیر انسانی حاکم بر جامعه‌ی آمریکایی، بردگان دنیای اسلام از رفاه خاصی برخوردار بودند و به تبع آن می‌توانستند با هم‌نوعان خود آزادانه مراوده داشته باشند و اجتماع خاص خودشان را - سبالو - داشتند و از موسیقی سنتی آفریقایی‌شان، که البته اندکی هم‌تحت تأثیر موسیقی جامعه‌ی جدیدشان قرار گرفته بود، استفاده می‌کردند.

اینان هفته‌ای یک‌بار به مرخصی می‌رفتند و همه در یک جا گرد می‌آمدند و با استفاده از نواي ریتمیک یا یک‌نواخت دهل یا دمام - یا به قول فرنگی‌ها نواي تام‌تام - چند ساعتی فارغ از رنج و مصیبت زندگی بردگی و عذاب دوری از وطن و جامعه‌ی نژادی‌شان می‌زیستند. آن‌ها می‌رقصیدند، سر و دست و شانه



و کمر تکان می‌دادند و در یک حالت جذب‌گونه و از خود بی‌خود شده سبک‌بار می‌شدند تا یک هفته‌ی دیگر رنج بردگی را بر دوش بکشند.

در این گردهمایی همه دایره‌وار می‌نشستند؛ بزرگ و کوچک، زن و مرد، و همه با اجازه‌ی مدیرشان، پدر یا بابای‌زار خاموش و لب فرو بسته، فقط سلام‌گویان مستقر می‌شدند و دهل‌زن یا دمام‌زن در کنار بابای‌زار می‌نشست، گوش به فرمان وی که مراسم زار را آغاز کند. بابای‌زار فقط با دست اشارتی می‌کرد و صدای ریتم یک‌نواخت و تام‌تام‌گونه‌ی طبل یا دهل یا دمام به هوامی‌خاست و یک لحظه بعد شانه‌ها تکان می‌خورد یا می‌لرزید، به این سویی و آن سو می‌رفت، کمی بعد سر فرود می‌آمد و به این سویی و آن سویی تکان می‌خورد و در پی آن، شاید نیم ساعت بعد، دست‌ها از کف دست تا آرنج پیش می‌آمد و لرزگونه به حرکت در می‌آمد.



چون مجلس داغ می‌شد و نواي یک‌نواخت ضربات دهل یا دمام توانسته بود بر اعصاب حاضران اثر کند و از محدوده‌ی قید خویش‌نشان بیرون بیاورد، پیچ و تاب تمامی بدن آغاز می‌شد و به تبع حرکات بابای‌زار که اینک به وسط دایره‌ی زار آمده بود، همه شوریده‌حال و هیجان‌زده و از خود بی‌خود شده همان حرکات را - ولي نشسته - تکرار می‌کردند. اندکی هم ناله سر می‌دادند و بعضی کف بر لب آورده.

البته بعدها بابای‌زار معرکه‌گیر وسط دایره‌ی زار را معین می‌کرد؛ یعنی کسی یا کسانی را به میدان می‌فرستاد که می‌توانستند بر شوریدگی و بی‌خودی دیگران بیافزایند. آن‌گاه که جذب و بی‌خودی به حد اعلاي خود می‌رسید گوسفندی را میانه‌ی میدان قربانی می‌کردند و همه چند قطره‌ای از خونس می‌خوردند. شاید به یاد دوران پیش از تاریخ قبایل آفریقایی که پس از به‌اسارت



در

آوردن سربازان دشمن، آنها را پس از مراسمی تقریباً این‌گونه می‌کشتند و می‌خوردند. آلدوس هاکسلی، نویسنده‌ی نامدار انگلیسی در کتاب اهریمنان لودون در ضمیمه‌ای که به آن افزوده است، درباره‌ی موسیقی ریتمیک یا یک‌نواخت که در مراسم آیینی انسان‌های دوران‌های نخستین باب بوده است به تفصیل سخن گفته است. وی می‌گوید که افراد قبایل بدوی از شنیدن نواي یک‌نواخت و دیرپای آن به وجد می‌آمده و به نوعی جذبه‌ی خاص دچار می‌شده‌اند و در نتیجه از قید خویشتن پیشین‌شان به در می‌آمده و به قولی از خود بی‌خود و بیگانه می‌شده‌اند و از محیط واقعی‌شان رؤیاگونه فراتر می‌رفته‌اند.

بعدها یونانیان، هندی‌ها و دراویش اسلامی و فرقه‌های مسیحی خاصی مثل رقاصان یا Shakers و رقاصان مقدس یا Holly Rollers از این‌گونه موسیقی جذبه‌آور بهره گرفتند. هاکسلی معتقد است که این حرکات و سر و تن تکان دادن‌ها، ناشی از شنیدن ریتم یک‌نواخت و دیر پای مسری یا همه‌گیر است و به همین سبب آن را تارانتیزم یا جنون رقص نامیده‌اند. در دوران باستان این مراسم را معمولا پس از سر گذراندن یک دوره‌ی دیرپای مصایب ویران‌گر مثل جنگ، طاعون، خشک‌سالی و قحطی برگزار می‌کرده‌اند تا به این وسیله اثرات روحی‌زیان‌بار ناشی از این دوران‌ها را بزدایند.

هدف ناآگاهانه‌ی زنان و مردانی که در این‌گونه رقص‌های آیینی شرکت می‌کردند، این بوده است که از دایره‌ی محدود شخصیت اصلی خویش به در آیند و در شادی و لذت دیگری شدن غرقه‌شوند. بدین ترتیب زار و مراسم زار، رنج بردگی و رنج غربت‌زدگی را از تن بردگان آواره‌ی آفریقای می‌زدود. هاکسلی در جایی دیگر می‌گوید که موسیقی مثل طبیعت آدمی بسیار گسترده است و برای آدمیان - از هر قشر و جامعه - پیام‌هایی دارد. موسیقی، با آن اشکال گوناگونش هم تخدیر کننده‌است و هم تحریک کننده، به طوری که کمتر شنونده‌ای را می‌توانید بیابید که در برابر دمام‌کوبی آفریقای گونه بتواند خودآگاهی ذهنی‌اش را حفظ کند.

آیا کسانی هستند که چون در مراسم غنای دراویش مراکشی یا وود وایت‌های هاییتی شرکت جویند و در برابر شنیدن ریتم یک‌نواخت طبل‌ها و دهل‌های‌شان دوام بیاورند؟ در بندرعباس و بندر لنگه معتقد بودند و می‌گفتند که اگر کسی غیر از زاری‌ها وارد مجلس‌شان شود، زار هنگام خروج، از تن آنها می‌گذرد و آنها را هم زاری می‌کند، و این یعنی همان مسری‌بودنی که هاکسلی می‌گوید.



www.nasimjonoub.com



www.nasimjonoub.com

تأثیر این موسیقی ریتمیک به گونه‌ای است که در ایجاد مستی و جذبه‌ی گروهی، یا حتا حزبی، به صورت سرود یا مارش‌های پر سر و صدا و کوبنده مورد استفاده قرار می‌گیرد. وقتی این موسیقی ریتمیک در خلوتی زاویه‌گونه به صدا در آید، در جایی به دور از سر و صدا و جنجال کوچه و خیابان، جوری بر مغز و بر ذهن اثر می‌گذارد که به جذبه و به بی‌خود شدن از خویش می‌انجامد، یا به قولی به غیریت فراشخصی خاص و فرار از محدوده‌ی مقید پیشین.

در بعضی از مجالس غنایی، این موسیقی یک‌نواخت و تام‌تام‌گونه به خودآزایی غیر ارادی، خودتازانه‌زنی و حتا به خودکشی گروهی می‌انجامد.

آن‌گونه که من از بعضی دوستان بندرعباسی‌ام شنیده‌ام، موسیقی یک‌نواخت دهل یا دمام زاری‌ها، بعضی زاری‌ها را به گونه‌ای از خود بی‌خود می‌کرد که ناگهان به پا می‌خاستند و به زبان عربی شعر و آواز می‌خواندند، در صورتی که تا پیش از آن و در حالت عادی عربی نمی‌دانسته‌اند. هاکسلی می‌گوید که اینان جوری از دنیای‌شان فراتر می‌روند و در دنیایی قرار می‌گیرند که در آن به خاطرات از یاد رفته‌ی دوران کودکی‌شان دست می‌یابند، آن را به یاد می‌آورند و آنچه را که شنیده‌اند بازگو می‌کنند.

ویلیام جیمز در کتاب تجربیات مذاهب گوناگون از مکاشفه‌ی مدهوشانه یاد کرده است که در پی شنیدن موسیقی ریتمیک به آدمیان دست می‌دهد. شرکت کنندگان این‌گونه مجالس آیینی به نوعی کرختی، خیال‌پردازی، توهم‌اندیشی دچار می‌شوند، و نه به مکاشفات مدهوشانه‌ای که به تجلی ملکوتی و به کمال نفس ملکوتی می‌انجامد.

شماری از پژوهندگان امور روانی که به قاره‌ی سیاه سفر کرده‌اند گزارش داده‌اند که در بعضی از قبایل آفریقایی که هنوز هم به حالت نیمه‌وحشی زندگی می‌کنند، مراسم زارگونه برگزار می‌شود. البته این مراسم زمانی به جای آورده می‌شود که افراد قبیله از شکار، جنگ، یا از تاراج‌گری باز گشته‌اند. آن‌ها با استفاده از طبل‌ها، دهل‌ها و یا دمام‌های‌شان، افراد را به یک‌شوریدگی جذبه‌گونه دچار می‌سازند، آن‌گونه که همه از چارچوب محدود و مقید شخصیت پیشین خود به در می‌آیند و با صدای کوبنده و یک‌نواخت طبل یا دهل به درون دنیایی می‌روند که غیر از دنیای خودشان است.



هفته نامه سياسي، فرهنگي، اقتصادي، ورزشي
صاحب امتياز: دكتور امير خلف پور
مدیرمسوول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر - میدان قدس - کوچه جانبازان - دفتر هفته نامه نسیم جنوب
تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰
فکس و پیامگیر: ۷۷۱ ۹۸+۲۵۲۸۱۵۱
صندوق پستی: ۱۱۹۹
پست الکترونیک: info@nasimjonoub.com